

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

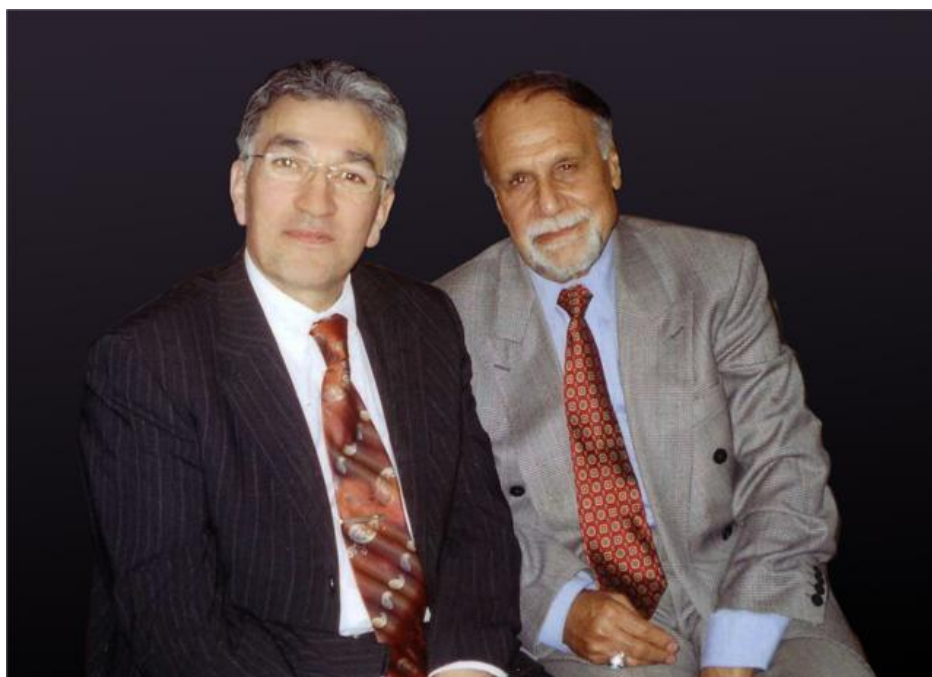
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی



تصویر پیر و پیرو، زیب صحیفه گردید
تایادگار باشد، از رنگ و بوی جانان

استاد م. نسیم [اسیر]
فبروری ۲۰۰۲ م
شهر بن - المان

گفت و گوی جانان

آقای مختارزاده ما شاء الله با طبع جوان ، وقاد و نقاد خود خاطرات زیبایی را زنده می سازد، از جمله نشر شعر "گفت و گوی جانان" و فوتوی خاطره انگیزی از همان تاریخ ، و این ناتوان را به شور می آورد تا با همه ناتوانی و نارسائی زود تر سری بشورانم و از گذشته های خوب یاد کنم. اینک نقل شعری که به جواب همان شعر زیبای شان در همان زمان نوشته شده است.

خوش نغمه دل انگیز آمد ز سوی جانان
جانان ز ناز با ما خود رو به رونمی شد
با خامه گفت و گو ها بسیار کرده بودیم
لطف و عنایت او خود گفت و گو ندارد
از رعشه صدایش دل را صد آرزو بود
چون نغمه دل انگیز، چون جلوه طرب خیز
در سینه شور شادی باهای و هو بلند است
از باده محبت ، ممنون التفاتم
از بهر مزدگانی دل نیز می سپارم
خواهی دوستی را با یار تازه کردیم
صافست سینه من، پاکست طینت او
در بزم دوستداری صد تار می دواندم
چون سرو در محبت بر پا و استوارم
با دانشست و ادراک، شعرش به اوج افلاک
از هر خس و ز خاشاک ، گلها بروی جانان
کرده اسیر خود دل ، طبع نکوی جانان
آمد می کوه گشتم من رو به روی جانان
در جامه می نگنجم ، اکنون ز روی جانان
بی گفت و گو دلم بود در جست و جوی جانان
تا ساعتی ببینم ، خورشید روی جانان
دل را نشاط بخشد زنگ گلوی جانان
تا دیدم و شنیدم من ههای و هوی جانان
نوشیده ام مگر من می از سیوی جانان
گر ساعتی نشینم در گفت و گوی جانان
این تازه دوستی هـا باشد ز سوی جانان
این رنگ و خصلت من، وان خلق و خوی جانان
می شد اگر میسر یک تار موی جانان
تاریشه می خورد آب از آب جوی جانان
از هر خس و ز خاشاک ، گلها بروی جانان
در صید خاطر ما دام و رسن نگنجد
دل را [اسیر] کرده طبع نکوی جانان

نوت :

بیت زیر عکس از خلیل الله معروفی است، که به اقتفاء از منظومه زیبای جناب "مختارزاده" ارتجالاً تراویده.